

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سرمدیر: جواد دلبری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
فکس: ۸۸۷۶۱۷۲۴
ارتباط فردی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پستاکد: ۱۲۱۳ ۰۴۵ ۳۰۰
روایه عمومی نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جاجوج و نامشاد سبز تهران

ساجب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

# ایران

www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده کواپصمه ازیزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۹۶۲-۵

میکثامنه اخلاق روزنامهنگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

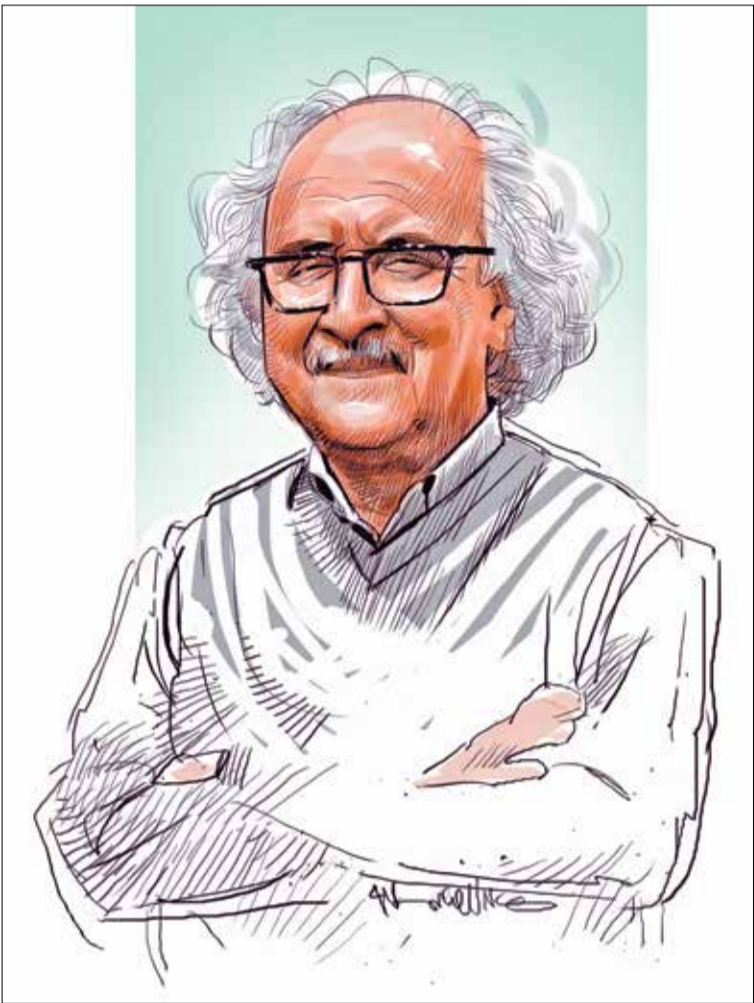


هانی انصاری

## نگاره

**استاد محمدرضا شفیعی کدکنی**

**از کوچه باغ‌های نیشابور تا جان فرهنگ و ادبیات فارسی**



گفت‌وگو باهادی خانیکی در سالروز ۷۹ سالگی محمدرضا شفیعی کدکنی

## کیمیایگر میراث نامکشوف فرهنگ

**محسن بوالحسنی**  
خبرنگار

## گپ

محمدرضا شفیعی کدکنی ۱۹مهر ۱۳۱۸ در روستای کدکن نیشابور به دنیا آمد.طبق نقل برخی از پایگاه‌های خبری، او هرگز به دیستان و دبیرستان نرفت و از آغاز کودکی نزد پدر خود (که روحانی بود) و مرحوم ادیب نیشابوری و آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی به فراگیری زبان و ادبیات عرب و فقه، کلام و اصول پرداخت. پس از مرگ شیخ هاشم قزوینی تا آخرین مراحل درس خارج فقه را نزد آیت‌الله میثالی خواند. «م.سرشک» همان سال به دانشکده ادبیات رفت و مدرک کارشناسی خود را در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی و مدرک دکتری را نیز در همین رشته از دانشگاه تهران گرفت و از سال ۱۳۴۸ تا امروز استاد دانشگاه تهران است. مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر نیز بر گه پیشنهاداستخدام اومی نویسد:«احترامی است‌به‌فصلیت او.»نوشتن از شفیعی کدکنی شرح و بسط بدیهی است، چرا که اسم و مُسمای او آنقدر بزرگ و شهربر هست که توضیحی بر نمی‌تابد. او محمدرضا شفیعی کدکنی است. در گپی کوتاه با هادی خانیکی استاد دانشگاه از این استاد مسلم فرهنگ و ادبیات فارسی سخن به میان آمده‌است.

**■ شما در یکی از گفت‌وگوهایتان از محمدرضا شفیعی کدکنی‌با لقب «کیمیایگر» یاد می‌کنید. حاصل شناخت‌شما از ایشان و رسیدن به چنین نظری از چه‌ج‌شخصیت‌شان می‌آید؟**

تعبیری که درباره استاد محمدرضا شفیعی کدکنی به کار بردم بیشتر مطوف به قدرت و قابلیت ایشان در تبدیل میراث گذشته به سرمایه‌های روز آمد و کارآمد برای امروز است. یعنی شفیعی کدکنی را می‌شود به تعبیری دیگر باخزان یا بازاقربن سنت در دوران جدید چینی‌د و تسلط و سلط او بر چند وجهی بودن استاد به حوزه‌های مختلف اندیشه و فرهنگ ایرانی اسلامی از او شخصیتی بی‌بدیل ساخته که در عین آنکه ژرف‌اندیشانه از گذشته بهره‌های وافر می‌برد، این توانایی را هم دارد که تأملش در گذشته را به جذاب‌ترین زبان و نظم علمی جدید به عرصه بیاورد.

**■ این توانایی و منحصر بفرگ بودن ره، او از چه منابع یا پیش‌خورهایی به دست آورده‌است؟**

اول باید به این نکته توجه کنیم که زیستی که استاد شفیعی کدکنی داشته زیست‌منحصر به فردی است.ایشان مسیری را پی‌موده که کمتر کسی توفیق آن را داشته که در چنین مسیر متفاوتی قرار بگیرد. کسی که از حوزه و درس و وارد حوزهٔ شعر و ادب معاصر می‌شود و بعد هم درس و نظر قله‌های معاصر ادب و تاریخ فارسی را در کم می‌کند. از ادیب نیشابوری بگیرد تا بدیع‌الزمان فروزانفر و خاکنری. او باتمام فرقتی خود را در معرض اندیشه‌ها و داشته‌های آنها قرار می‌دهد و بعد هم وارد حوزه جدیدی می‌شود و حتی تحصیل در هاروارد، پرینستون و آکسفورد هم تمایز دانستن او را کفایت نمی‌کند. تسلط استاد شفیعی به فرهنگ جدید و قدیم غرب، تسلط‌شان به فرهنگ



۲۶

تبریز

۱۲

تهران

۲۸

مشهد

۲۲

اهواز

۴۱

بندرعباس

۳۸

شیراز

۳۱

یزد

۲۹

رشت

۲۴

اذان ظهر ۱۱/۵۱



۲۴

رشت

۱۷

بندرعباس

۳۸

شیراز

۳۱

یزد

۲۹

رشت

۲۴

## پژوهش‌های ساختگی و واقعی در سینمای مستند

«ایران»: محمد تهامی نژاد از پژوهشگران، نویسندگان و مترجمان نام‌آشنای سینمای مستند ایران است و سال‌هاست در دانشگاه‌های ایران مستندسازی می‌آموزد. او معتقد است در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا، اساسی‌ترین نکته در پژوهش، بداعت آن است؛ به این معنا که پژوهش با چه هدفی صورت گرفته و آیا دانش مخاطبش را پیش برده است یا خیر؟ او در گفت‌وگو با مهر درباره معیارهای دآوری پژوهش در سینمای مستند می‌گوید: «هنگامی که همکاران مان در هیأت رئیس‌ه سابق جشن مستقل سینمای مستند اساسنامه جشن را بازنگری می‌کردند، پیشنهاد شد که جایزه پژوهش به «پژوهش‌نامه» داده شود به این ترتیب که ارائه پژوهش‌نامه در فراخوان اعلام شود و از طریق مطالعه پژوهش‌نامه، داوران ویژهٔ جایزه پژوهش، جایزه خود را به روش شناسی پژوهش (متدولوژی) سؤال‌ها و نتایج اها کنند. در بسیاری از دانشگاه‌های

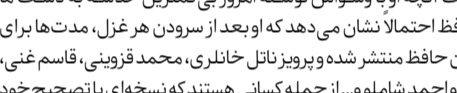
### مکث

«ایران»: از زندگی حافظ که لسان‌الغیبش می‌نامند چیز زیادی نمی‌دانیم اما درباره‌اش داستان‌هایی خوانده یا شنیده‌ایم که اکثر آن‌ها از اعتبار و استنادی برخوردار نیستند و بیشتر میل به افسانه دارند. همین قدر می‌دانیم حافظ که امروز دیوانش در خانه هر ایرانی وجود دارد و از نخبگان تا سطوح مختلف جامعه در ادواری طولانی به آن ارادت دارند شعر را در جوانی آغاز کرد و آنچه ماحصل زندگی او بود و به ما رسید چیزی حدود ۵۰۰ غزل است. با حسابی سردستی می‌شود سالی ۱۰ تا ۱۲ غزل. همین نشان می‌دهد اگر تمام شعرهایی که از حافظ به دست ما رسیده، تمام آن شعرهایی باشد که حافظ نوشته او شاعر کم‌کاری بوده و اگر دلیل این کم کاری وسواسش بوده که به نظر او ذره‌ای راه را خطا نرفته و تک‌تک آنچه او با وسواس نوشته امروز بی‌کمترین خدشه به دست ما رسیده است. پژوهشگران ادبیات فارسی معتقدند پیچیدگی غزلیات حافظ احتمالاً نشان می‌دهد که او بعد از سرودن هر غزل، مدت‌ها برای ویرایش و بازنویسی آن وقت می‌گذاشته است. نسخه‌های مختلفی از دیوان حافظ منتشر شده و پرویز ناتل خانلری، محمد قزوینی، قاسم غنی، عبدالرحیم خخالی، هوشنگ ابتهاج، به‌الدین خرمشاهی، حسن انوری و احمد شاملو و… از جمله کسانی هستند که نسخه‌ای با تصحیح خود از دیوان حافظ را ارائه داده‌اند. ۲۰ مهر روز خواجه شیراز است. حافظ پژوهان در جستارهایی کوتاه از او می‌گویند.

به‌بهانه بیستم مهر، روز بزرگداشت خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی

# حافظ و حافظه تاریخی ما

«ایران»: از زندگی حافظ که لسان‌الغیبش می‌نامند چیز زیادی نمی‌دانیم اما درباره‌اش داستان‌هایی خوانده یا شنیده‌ایم که اکثر آن‌ها از اعتبار و استنادی برخوردار نیستند و بیشتر میل به افسانه دارند. همین قدر می‌دانیم حافظ که امروز دیوانش در خانه هر ایرانی وجود دارد و از نخبگان تا سطوح مختلف جامعه در ادواری طولانی به آن ارادت دارند شعر را در جوانی آغاز کرد و آنچه ماحصل زندگی او بود و به ما رسید چیزی حدود ۵۰۰ غزل است. با حسابی سردستی می‌شود سالی ۱۰ تا ۱۲ غزل. همین نشان می‌دهد اگر تمام شعرهایی که از حافظ به دست ما رسیده، تمام آن شعرهایی باشد که حافظ نوشته او شاعر کم‌کاری بوده و اگر دلیل



ایستاد

این کم کاری وسواسش بوده که به نظر او ذره‌ای راه را خطا نرفته و تک‌تک آنچه او با وسواس نوشته امروز بی‌کمترین خدشه به دست ما رسیده است. پژوهشگران ادبیات فارسی معتقدند پیچیدگی غزلیات حافظ احتمالاً نشان می‌دهد که او بعد از سرودن هر غزل، مدت‌ها برای ویرایش و بازنویسی آن وقت می‌گذاشته است. نسخه‌های مختلفی از دیوان حافظ منتشر شده و پرویز ناتل خانلری، محمد قزوینی، قاسم غنی، عبدالرحیم خخالی، هوشنگ ابتهاج، به‌الدین خرمشاهی، حسن انوری و احمد شاملو و… از جمله کسانی هستند که نسخه‌ای با تصحیح خود از دیوان حافظ را ارائه داده‌اند. ۲۰ مهر روز خواجه شیراز است. حافظ پژوهان در جستارهایی کوتاه از او می‌گویند.

**■ حکایت مهروویا باحافظ**
درست به‌خاطرم ندانم نخستین مواجهه من با حافظ کی رخ داده‌است. اما این نکته را می‌توانم با اطمینان بگویم که دیوان حافظ در سه دههٔ اخیر عمر، هرگز از زندگی معنوی من جدا نشده است، یعنی راستش نتوانسته‌ام آن را از خودم جدا کنم. در لحظه‌های شادمانی زندگی ام، همان قدر به لسان‌الغیب مراجعه کرده‌ام که هنگام دلواپسی‌ها همچون سنگ سیور، دغدغه‌هایم را شنیده و با کمال صدق راهنمایی ام کرده است. مگر از یک دوست جز صداقت نمی‌توان انتظار داشت: «اسر ارادت ما و آستان حضرت دوست». شما هم احتمالاً با من در این مورد هم عقیده‌اید که حقایق مسلم دربارهٔ زندگی حافظ آن قدر هست که نیازی به رجوع به افسانه‌ها نباشد؛ اما من «در کنار حافظ بودن» را با افسانه و حقیقت درهم آمیختم تا حقیقت زندگی خودم را به تماشا بنشینم. هم ازین رو نخستین کتابی که زودتر از هر خواستنی‌ای یا من هسفر می‌شود، دیوان حافظ است و آن سخنی که همچون شاهد مثال گزاره‌های دوست داشته‌ام، همراهی‌ام می‌کند، شعر آسمانی اوست: «نه من سبکوش این دیر نردسوزم و بس! بس‌سرا که در این کارخانه سنگ و سبوست». آنچه مرا در این سال‌ها مجذوب «کارگاه حشرمعانی» خود کرده، «آتش انگیزی رستاخیز کلماتی» است که نادیده، دست‌گیرم می‌شوند و ناآشنیده، مرا میهمان شنیده‌های خوداز عالم معنایم می‌کنند. حافظ از آن گروه شاعرانی نیست که مخاطب خود را با مثنوی‌های هنرهای شاعرانه گرفتار آفتابن خویش کنند. ویس از چندی به گوشه‌ای رهایش کنند. کافی است باایمان پایه‌دنیای شاعر شیراز بگذاری، آن‌گاه دیگر بیرون آمدنت با خودت نیست. من از روزگاری که از «شراب بی‌خمار» شیخ شیراز جرعه‌ای نوش کرده‌ام، نمک خورده‌اش شده است. اگر بگویم «بازارتان» در برابر سحر سخن حافظ «شکست‌گرفته»، حرفی از سر دل‌دگی نیست، هر چند اعتراف می‌کنم من عاشق حافظم و به گفتهٔ سعدی بزرگ «رنگ رخساره خیری می‌دهد از سر ضمیر». حس من برای «با حافظ بودن» شبیه حس کسی است که سوار بر بال سیم‌رغ، سبک‌بال و آسوده‌خیال، در آسمان‌ها پرواز می‌کند و می‌داند که کسی هوایش را دارد. این احساس را از شاعر منظومهٔ فالوست به ارث برده‌ام، وقتی که با به‌دنیای حافظ نهاد و هو بگیرش گذشت.

ادبیات کلاسیک فارسی از جمله غزل‌های حافظ میان نسل جوانان دانش‌آموخته کنونی ریان و ادبیات فارسی در مقاطع مختلف تحصیلات دانشگاهی چندان خوب نیست و می‌توان گفت یک لیبسانس یا فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی این سال‌ها، سطح سواد و دانش و درکش از نثر فارسی و ادبیات کهن ایران، اندازه یک دیپلم ادبیات چهل سال‌فرازی است. ما در دوران تحصیل آثار متعددی از حافظ، سعدی، منوچهری، ناصر خسرو و… را می‌خواندیم و همچنین کتاب‌های قایوس‌نامه، مرزبان‌نامه، تاریخ بیهقی و… در شمار محتوای درسی ما در مدرسه و دبیرستان بود. از آن سال‌ها گنجینه‌ای از شعرهای کهن فارسی را در خاطر دارم و گاه و بی‌گاه غزل‌هایی از شعر فارسی به‌خوبی تشخیص می‌خوانم. از این میان بیش از همه به غزل «الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناول‌ها/ که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» را دوست دارم و بیش از چند هنر بار آن را خواندم، غزلی زیبا و با شکوه و سرشار از خلاقیت است. انتخاب این غزل عاشقانه ممکن است، بر این تصور دامن‌بزند که خاطره عاشقانه‌ای از این غزل دارم، اما این‌گونه نیست. من آن سال‌های جوانی در کنار درس و دانشگاه، زبان و ادبیات عرب هم می‌خواندم و با شعر عرب به خوبی آشنا بودم و از آن درک از شکوه و زیبایی شعر عرب وقتی می‌بینم حافظ به شکل خلاقانه‌ای این غزل عاشقانه ممکن می‌سراید و بلافاصله در مصرع بعد با نهایت فصاحت و زیبایی سخن می‌گوید به وجد می‌آیم. سال‌ها از نخستین مواجهه و انس من با دیوان غزلیات حافظ می‌گذرد، با این همه هر روز به شکلی دیگر او را کشف می‌کنم و هر ایرانی باغیر ایرانی فارسی‌دانی داستان و داستان‌هایی از حافظ‌هاش دارد.

**■ هر ایرانی داستان‌هایی از غزل‌های حافظ دارد**

نخستین مواجهه‌های من با حافظ، هم مانند بسیاری از نسل‌هایم، به سال‌های مدرسه بر می‌گردد. کتاب‌های درسی آن سال‌ها سرشار از آثار ادب کلاسیک فارسی بود و شعرها و آثار ادبی کهن فارسی درج شده در کتاب‌های درسی را چهره‌های بزرگ و ادبای مهمی مانند پرویز ناتل خانلری، عباس اقبال آشتیانی، عبدالحسین زرین‌کوب و… انتخاب می‌کردند و آنها اشرف کاملی بر ادبیات کهن فارسی داشتند و از طرفی به خوبی تشخیص می‌دادند چه شعرها و نثرهایی از ادب کلاسیک فارسی برای کودکان و نوجوان‌های راحت‌تر و خوشایندتر است. خاطرم هست نخستین بار با قصیده‌ای از منوچهری را در کتاب درسی خواندم و بعد جست‌وجوهای فراوان دیوانی از او را یافتم و نه تنها آن قصیده بلکه شمار زیادی از سروده‌های این شاعر را خواندم و نخستین‌بار با حافظ هم در چنین فضایی آشنا شدم و از آن سال‌های نوجوانی تا این روزها که بیش از نیم‌قرن می‌گذرد، دمخواری غزل‌های این شاعر بزرگ ایرانی بودم و هستم. متأسفانه این سال‌ها دیگر از آن شکوه و جلال و وفور آثار ادبیات کلاسیک فارسی در کتاب‌های درسی کودکان و نوجوان‌ها کمتر خبری هست و جوان‌های این نسل به مراتب فرصت‌های کمتری برای مانوس و معاصر بودن با آثار ادبیات کلاسیک را دارند و عمدتاً به نثرهای سست و آثار نه‌چندان درخور گرم و سرگرم هستند و این مسأله خطرناک است. نه تنها کودکان را حتی وضعیت مطالعه فهم آثار



سید محمدصادق سجدی

مورخ و پژوهشگر

منصف ودموکرات دانست.

**■ نکتهٔ آخر در هفتادونه‌سالگی شفیعی کدکنی در بهار و…**
من برای ایشان سال‌های سال زندگی با عزت و سلامت آرزو می‌کنم و می‌توانم بگویم هر کس در ایران و در هر ساختی چه در علم، چه در روشنفکری و فرهنگ و چه در ساخت سیاست و مسئولیت‌های اجتماعی فعالیت می‌کند از مواجهه و شناخت شفیعی کدکنی بی‌نیاز نیست. او یک سرمایه‌نمادین برای نهاد اندیشه، دانشگاه و فرهنگ در ایران است و این‌صلا سخن‌گرفته‌ای نیست. دانشجویی که بخواهد درک درستی از استادی داشته باشد باید او را درک کند. ایرانی باید مفهوم ایرانی بودن خود را از منظر ایشان تعبیر کند و یک مسلمان نیز می‌تواند رابطه‌ی آرایش‌با خدای خویش را از شفیعی کدکنی بیاموزد.

اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان صبح فردا ۴/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۷

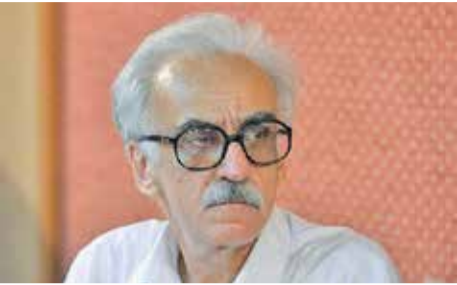
**امام‌صادق علیه‌السلام:**

کَمالِ الْأَدبِ وَالْمُرُوَّةِ سَبْعُ خِصالٍ:
الْعَقْلُ وَ الْحِلْمُ، وَالصَّبْرُ، وَالرِّفْقُ، وَالصَّمْتُ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالْمُداراةُ؛

### سخن روز

کمال ادب و مروت در هفت چیز است: عقل، بردباری، صبر، ملامت، سکوت، خوش اخلاقی و مدارا.

**معدن الجواهر وریاضه‌الخواطر ص ۵۹**



ایستاد

اثری پژوهشی است که روش‌مند به پیش می‌رود. این فیلم موفق به دریافت جایزه بهترین پژوهش از جشنواره بیست و پنجم فجر (۱۳۸۵) شد، هرچند ممکن است احتمالاً پژوهش‌نامه مدون نداشته باشد. در این پژوهش تصویری، نظریه فیلم صدای مستندساز است.

به بهانه پخش فصل سوم «کتاب‌باز»

### عیش مدام

«ایران»: اولین قسمت از فصل سوم برنامه «کتاب‌باز» شامگاه شنبه (۱۴مهر ماه) با اجرای سرروش صحت‌روی آنتن شبکه نسیم رفت. این برنامه فرهنگی با موضوع کتابخوانی در فصل سوم، در قالب یک مقدمه‌با پنج رویکرد اعم از داستان‌نویسی و شعر، ورزش، ادبیات آیینی و ارزشی، سینماگران و هنرمندان عرصه نمایش و نهایتاً گریزی به موضوعات متفاوت برنامه‌های گذشته کار خود را آغاز کرده است.

سومین فصل «کتاب‌باز» کارش را آغاز کرد، پس از پخش دو فصل از این برنامه و استقبال خوبی که از برنامه‌های پیشین شد و مخاطب‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی و در فرصت‌های دیگر جوایز دور جدید برنامه بودند ما با این حس خوب و انرژی مثبتی که از مخاطب‌ها گرفتیم بر آن شدیم با حفظ مؤلفه‌های ثابت و مهم «کتاب‌باز» فصل سوم این برنامه را بسازیم. برنامه کتاب باز جایش را میان مخاطب‌ها باز کرده است و توانست طیفی متنوع از جامعه کتابخوان و کتاب‌دوست را با خودش همراه کند و امید داریم در فصل جدید این برنامه گستره وسیع‌تر و متنوع‌تری از کتابخوان‌ها، کتاب‌دوست‌ها و کتاب‌بازها این برنامه را ببینند. به‌شما تلاش‌های متعددی که می‌شود، کتابخوانی و مطالعه مداوم و مؤثر و پیگیر کتاب در جامعه ما به نسبت دیگر کشورهای جهان کمتر است و ما تلاش می‌کنیم در فضایی صمیمی و متنوع خلا کتابخوانی و مطالعه را بیشتر مورد توجه قرار دهیم. در دو فصل نخست بر آن بودیم از تجربه کتابخوانی و لذت کتاب خواندن با مخاطب‌ها حرف بزنیم و دیگران را به تجربه این لذت عمیق دعوت کنیم و به تدریج نظر به تقاضا و نیاز مخاطب‌ها بر آن شدیم کتاب‌های خلاقانه، خوب و مؤثر هم به ببینندگان معرفی کنیم. از آغاز راه همواره حواس‌مان بود درگیر کلیشه‌های برنامه‌های مرتبط با کتاب نشویم و با ایده‌های تازه‌تر و لحن و فضای دوستانه کار را دنبال کنیم. از بازتولید رویکرد عصاقورت داده معمول برنامه‌های با موضوع کتاب فاصله بگیریم و برای‌مان برقراری یک ارتباط دوسویه بسیار مهم بود؛



محمدرضا ضایبان تهیه‌کننده و کارگردان

با مخاطب‌ها خاصه با گسترش تکنو لو ژ ی های رسانه‌های فرآیند برقراری این ارتباط دوسویه ساده‌تر و سریع‌تر شده است و نمی‌خواستیم متکلم وحده باشیم و کسانی نشنیدند روه‌وری دوربین و مخاطب را نصیحت کنند کتاب خواندن خوب است. در فصل سوم هم دنباله آن نگاه پیشین بیش از پیش به مخاطب‌ها توجه شود و در آیت‌هایی نیز مخاطب‌ها را در فضای استودیو هم خواهیم داشت. همچنین انتخاب شبکه نسیم به عنوان شبکه سرگرمی برای پخش برنامه «کتاب‌باز» هم بی دلیل نبوده است؛ می‌دانیم که شعار این شبکه تلویزیونی «شاد و سرگرمی» است، در مقاطعی در فضاهای رسانه‌ای و اجتماعی کشور، تلقی و تصویر اشتباهی از کتابخوانی و فرد کتابخوان ارائه شده است؛ آن تصویر به این شرح بود که فرد کتابخوان و کتابخوانی را توأم با خلوت‌گزیدن و انزوا معرفی می‌کردند در حالی که این‌طور نیست و کتابخوانی نه تنها سرگرمی و نشاط آوری هست بلکه می‌تواند به افزایش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ما نیز به‌طور چشمگیری کمک کند.



فیلم ایرانی در راه جشنواره‌های خارجی
حلب کوتاه «کل به جز» ساخته سیدوحید حسینی نامی در بخش مسابقه چهاردهمین جشنواره فیلم‌های مستقل «دولانتا» بوتنوس آیرس آرژانتین حضور پیدا می‌کند.این جشنواره از ۱۱ الی ۲۱ اکتبر برابر با ۱۹ مهر تا ۲۹ مهر در آرژانتین برگزار می‌شود.همچنین این فیلم به تازگی در جشن پانورمای جشنواره زیرمیر ترکیه پذیرفته شده است. این جشنواره از ۳۰ اکتبر تا ۴ نوامبر برابر با ۸ تا ۱۳ آبان ماه برگزار می‌شود.

## «هندسه درون بویی» در گالری آس

نمایشگاه گروهی نقاشی با عنوان «هندسه درون بویی» جمعه ۲۰ مهرماه در گالری آس افتتاح خواهد شد.در این نمایشگاه که به کوشش «پرهام دیده‌ور» برگزار می‌شود، آثار هنرمندانی همچون رضا حسینی، فرح ابوالقاسم، ساسان نصیری، عیسی جباری، همایون تک، حسین چراغچی، شیما خشخاشی، مانی مهرزاد، فتان دهقان، الهام روشنی، سیاوش حاتم و دانیال ملانوروزی به نمایش گذاشته خواهد شد.

## گزیده خبر